

کوره آدم سوزی در نیویورک: تراژدی تکان دهنده

نسل کشی اخیر و قتل عام اخیر در آمریکا نه واقعه ای تک افتاده، بلکه در کنار نسل کشی و فجایع انسانی در رواندا و سومالی و عراق و ایران و افغانستان و یوگوسلاوی و فلسطین و خاورمیانه قرار میگیرد. علاوه بر نقش مستقیم دولتها و نیروهای ارتجاعی محلی، در بخش اعظم فجایع ایندوره نقش مستقیم آمریکا و ناتو و دولتهای غربی بر همه کس عیان است. دولتها و جنبشها و گروههای اسلامی پای ثابت تروریسم کور و وحشی ایندوره اند، اما بر کسی پوشیده نیست، آمریکا و غرب خود حامیان قدرت گیری دولتهای تروریستی اسلامی در ایران و طالبان افغانستان و از

صفحه ۲

چیست؟ و راه مبارزه موثر با این پدیده شوم کدامست؟ در دنیای امروز تروریسم دولتی و غیر دولتی رواج دارد. گذری به گذشته دور لازم نیست، همین یکدهه پایانی آخر قرن بیستم شاهد زنده این ادعاست. نکته قابل توجه اینست که به دنبال فروپاشی شرق و پیروزی دمکراسی بنا به ادعای ژورنالیسم و دولتمردان و سیاستمداران بورژوا بویژه در غرب، قرار بود دوران جدید، (نظم نوین جهانی) دوران "صلح و آرامش و دیالوگ و پایان کشمکشها" باشد. اما دوران اخیر در سطح جهانی دوران لشکرکشیها و بمبارانها و نسل کشی و قتل عامهای دسته جمعی بود.

نفرت و بیزاری خود را نسبت به عاملان این تراژدی عظیم، اعلام نمود. همدردی و همسرنوشتی انسانی برجسته شد و بر تروریسم دولتی و غیر دولتی در ابعادی گسترده مهر محکومیت زده شد. با گذشت یک هفته از این فاجعه شوم تفسیرها و تحلیلها و سوالات متعددی مطرح است، رسانهها و ژورنالیسم موجود و دولت آمریکا و قدرتهای غربی بر موضوع انتقامجویی و جنگ و کشتار دیگری تحت نام "ریشه کردن" تروریسم متمرکز شده اند و در تدارک فاجعه انسانی دیگری هستند. این فضا را باید کنار زد و پرسید علت رواج تروریسم چیست؟ ریشه آن



رحمان حسین زاده

هفته گذشته تروریسم کور جان هزاران انسان را در آمریکا قربانی گرفت. جلو چشم ناباور جهانیان دو آسمانخراش مرکز تجارت جهانی، همچون دو کوره بزرگ آدم سوزی با هزاران انسانی که در درون خود جای داده بودند، به تلی از خاکستر تبدیل شدند. بشریت آزاده و وجدان انسانی

ناموس پرستی دختران

جوان را بخون میکشد

صفحه ۳

رانندگان کامیون

اتحادیه میهنی را

به عقب نشینی

و ادار کردند

صفحه ۴

گسترده و به اشکال مختلفی این روز را در همه شهرهای کردستان بر گذار کرد، جمهوری اسلامی از این برنامه ها چه اهدافی را تعقیب می کند؟

مجید حسینی: جمهوری اسلامی بیشترین سرکوب و فشار را با اتکا به قوانین اسلامی و انواع و اقسام نهاد و سازمانهای مختلف علیه زنان سازمان داده است، با این وجود هنوز نتوانسته مانع گسترش مبارزات برابری طلبانه زنان در ایران گردد. جنبش زنان مشکل هر روزه رژیم است و هر چند وقت یک بار شاهد تشدید فشار و یک دور حمله به زنان در معابر عمومی، محل کار و مدارس و دانشگاهها به بهانه های مختلفی هستیم. مهار جنبش آزادیخواهانه زنان و ایجاد مانع بر سر راه آن یکی از اهداف رژیم در این برنامه ها است. جمهوری اسلامی می داند زنان در ایران، اسلام، فرهنگ اسلامی و روش زندگی

صفحه ۲

مراسم هفته زن جمهوری اسلامی در شهرهای کردستان

مصاحبه رادیو انترناسیونال با مجید حسینی

روز هشت مارس، برای محصور نگه داشتن حقوق و مطالبات زنان در چهار چوب اسلام، برای نادیده گفتن حقوق زنان که حقوقی جهانشمول است و قرار دادن و جلو کشیدن و زنده کردن هر آنچه رسم و عادات عقب مانده است، به جای آن. هفته زن و این جلسات جمهوری اسلامی روی دیگر و مکمل سیاست سنگسار، اعدام، آپارتاید جنسی، سرکوب و اهانت و بی حرمتی سازمان یافته به زنان در ایران است. بالاخره این گونه برنامه ها از طرف رژیم نشان مشکل جدی رژیم در برابر جنبش آزادیخواهانه زنان است و جمهوری اسلامی می داند که زنان الگوی زن مسلمان و فاطمه ذهرا را برای زندگی خود نمی خواهند.

سوال: چرا امسال رژیم اهمیت زیادی را به هفته زن داد و بطور

از طرف فرماندار شهرها با همکاری شوراهای اسلامی سازمان داده شده و طبق خبری که داریم تعداد شرکت کنندگان در آنها بسیار کم بوده است. در این جلسات فاطمه ذهرا را به عنوان زن نمونه معرفی کرده و به روال معمول در باره خصوصیات زن مسلمان، زن سر به زیرو فرمانبردار، مطیع مرد و قوانین ارتجاعی شرع اسلام و حقوق آنها از زاویه اسلام و دستورات ضد زن اسلامی بحث کرده اند. در این جلسات بطور ویژه ای عرف و سنتهای عقب مانده و مردسالارانه به عنوان ویژگیهای وظایف زن را برجسته کرده بودند. اعلام کردن یک هفته به عنوان هفته زن خود بخشی از تلاشهای ارتجاعی و ضد زن جمهوری اسلامی است، برای لوث کردن روز جهانی زن،



مجید حسینی

سوال: هفته گذشته را جمهوری اسلامی به عنوان هفته زن در ایران اعلام کرد و در اکثر شهرهای کردستان هم جلساتی را تحت عنوان بی حقوقی زنان بر گزار کرد، در رابطه با هفته زن جمهوری اسلامی و چگونگی برگزاری این جلسات در کردستان توضیحاتی را بدهید؟

مجید حسینی: اکثر این جلسات

طول موج

رادیو انترناسیونال هر سب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۲۵ متر برابر با

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مراسم هفته زن ۰۰۰

اسلامی را نمی خواهند و حداقل توقعاتشان از زندگی خود در حد حقوقی است که زنان در پیشرفته ترین کشورهای دنیا دارند. الگوی زن مسلمان به جای زن آزادیخواه و گرفتن هفته زن به جای روز جهانی زن و بدین ترتیب تقلا برای جدا کردن جنبش زنان در ایران به نام زن مسلمان و زن ایرانی از جنبش جهانی زنان و حقوق جهانی و عام آنها هدف دیگر جمهوری اسلامی است. گستردگی و تنوع این گونه مراسم و برنامه های رژیم نشان هراس آنها از به حرکت در آمدن جنبش عظیم و قدرتمند برابری طلبانه زنان است. دوم خردادها در اوایل ظهورشان، برای به بیراهه بردن جنبش زنان و کنترل آن هیاهوی زیادی به راه انداختند و وقتیکه با رشد خواست و شعارهای برابری طلبانه زنان و حرکت های عملی و مستقل آنها برای زیر پا نهادن قوانین اسلامی روبرو شدند، دادشان در آمد و هر دو جناح در مقابل این مبارزات صف آرایی کردند. بعد از یک دوره تحرک وسیع و اجتماعی زنان بود که کل رژیم با هر دو جناح بساط سنگسار و کشتار زنان را در مشهد و تعداد دیگری از شهرها به راه انداختند. سران رژیم وقتیکه دیدند زنان روز هشت مارس را جشن می گیرند، روسری های خود را آتش می زنند، جنبش نافرمانی خود را گسترش می دهند، به حربه اصلی خودشان یعنی سرکوب و کشتار زنان بیشتر

روی آوردند. اما زنان از این رژیم متنفرند و آنرا نمی خواهند و برای احقاق حقوق خود قدم پیش گذاشته اند، این سیاستهای رژیم امتحان پس داده اند و برایش کارساز نیست. در کردستان جمهوری اسلامی اهرمهای دیگری را علاوه بر زنان مسلمان و زن ایرانی وغیره برای مقابله با جنبش زنان بکار می گیرد. با اتکا به احساسات محلی و ناسیونالیستی کرد سعی کرده سنت و عادات مرد سالارانه و عقب مانده در کردستان را هر چه بیشتر باد بزند تا بین جنبش زنان در کردستان با بقیه زنان در ایران فاصله بیندازد. زن کرد، فرهنگ کرد، رسم و سنت و عادات کردها و... اصلاحاتی است که در این رابطه به کار می گیرند. در پیشبرد این سیاستها بطور مستقیم ویا غیر مستقیم از دو جهت عملا جمهوری اسلامی کمک می شود. اول از طرف آن طیف از روشنفکران و روزنامه نگاران ناسیونالیست در شهرهای کردستان که با گفتن یک جمله در باره حقوق زنان فوراً تعلق و فاداری خود را به هزار شیوه به مذهب و قرآن، و عرف و سنن عقب مانده و عادات موجود ابراز می دارند، دوم از طرف احزاب و سازمانهای ناسیونالیست اپوزیسیون رژیم که فعلا در قالب دفاع از مذهب سنی در برابر مذهب شیعه و پناه گرفتن پشت عرف و عادات کردایمی، خود را نشان می دهد. سوابق حزب دموکرات کردستان ایران در گذشته و در حال حاضر در این باره از همه آشکار تر و صریحتر است و کومه له جدید هم با فرمول دفاع از مذهب زحمتکشان و تفاوت آن با مذهب سرمایه

داران در این راه قدم گذاشته است. **سوال:** گویا در جلسه شهر میروان یکی از شرکت کنندگان اظهار داشته است، که زنان خود مایه جنگ و فتنه اند و در این رابطه صحبت کرده است. منظورشان از این اهانت بیشرمانه نسبت به زنان چیست؟ **مجید حسینی:** نه تنها این جمله بلکه کل جلسه یک برنامه ارتجاعی در ادامه اعدامها و سرکوبگریهای جمهوری اسلامی علیه زنان است. جلسه گرفتن در مورد حقوق زنان از طرف رژیمی که مدافع ازدواج دختران نه ساله است و برایشان مراسم تکلیف می گذارد، زن را آدم به حساب نمی آورد، در صورت جدایی حقی برای نگهداری فرزندان خودش برای او قایل نیست، آپارتاید جنسی علیه زنان به راه انداخته، حق سفر، حق جدایی، آزادی در انتخاب پوشش، انتخاب شغل و آزادی معاشرت را از آنها سلب کرده است، جلسه اش توهین و اهانت و تحقیر زن است. زن در جمهوری اسلامی حقی بر جسم خود ندارد. این رژیم سنگسار هر جنایتی را که توانسته نسبت به زنان انجام داده و هر حقوقی را که امکانش داشته از آنان سلب کرده است و به درست مورد تنفر و انزجار زنان و مردم آزادیخواه است. شرکت کننده ای این اهانت به زنان را در این جلسه که به آن اشاره نمودید کرده بود و طبعاً اداره کنندگان جلسه هیچگونه مخالفتی با تصویری که این شخص از زن داده است نداشته اند، منتها در تعدیل و قابل قبول کردن آن با فرمولی که با اوضاع امروز جور در آید

تلاش کرده بودند. تعریفی که این شرکت کننده از زن داده است منطبق است با همان تعریفی که قرآن و شریعت اسلام از زن بدست می دهد، در این تصویر زن را بد کاره، جاهل و نادان و فتنه گر معرفی می کنند. ولی این شخص نفهمیده که حمله به زنان با آن زمختی و تراشیدگی در شرایطی که جنبش زنان یک پای قدرتمند مبارزات برابری طلبانه در ایران است، فعلا مناسب حال جمهوری اسلامی نیست و ممکن است باعث دردسرش هم بشود. اظهار نظر این شخص جنبه مردسالارانه قوی هم داشته و در خود این معنی را می دهد که مرد در برابر زن خطا ناپذیر است و هر چه بدی است به زن مربوط است و حق همواره با مردان است. **سوال:** به نظر شما زنان و مردم آزاده برای پایان دادن به دخالتهای جمهوری اسلامی در زندگی روزانه شان چکار کنند تا به این وضعیت پایان دهند؟ **مجید حسینی:** تا جمهوری اسلامی سر کار باشد آزادی زن و برابری سیاسی و اقتصادی آنها ممکن نیست. آشکار است که زنان و مردم در ایران این رژیم اسلامی را نمی خواهند و به میدان مبارزه با آن وارد شده اند. برای اینکه شمره مبارزه زنان و مردم برابری طلب به هدر نرود و مبارزات آزادیخواهانه آنها با دردسر کمتری به ثمر برسد، باید در ارتباطات با حزب و سازمان برابری طلب امر خود را به پیش برند. یک شرط اساسی به سرانجام رسیدن این مبارزات بدست گرفتن برنامه یک دنیای بهتر، مطالبات و شعارهای آن است. حزب کمونیست کارگری ایران مدافع

سر سخت و پیگیر برابری کامل زن و مرد است. همه نیروهای سیاسی در ایران متوجه نقش زنان در آرایش دادن به چهره آتی ایران هستند و سعی در محدود کردن و کنترل جنبش زنان را دارند. زنان پیشرو و انسانهای آزادیخواه می توانند نقش مهمی در پیشبرد و سمت و سو دادن به مبارزه زنان را داشته باشند. از همین امروز تا جایی که مقدور باشد باید جنبش نافرمانی را وسعت داد و علنی کرد. مبارزه علیه قوانین اسلامی را از خانواده گرفته تا محل کار، مدارس و دانشگاه، محله و خیابان به پیش برد، بد حجابی کرد، جداسازیها و مقررات آپارتاید جنسی را بهم زد، معاشرت بین زن و مرد و شرکت در فعالیتهای مشترک و مراسم مختلط را بیشتر کرد، نماز نخواند، به مسجد نرفت و زنان و مردان با پوشیدن لباس شیک و مدرن و آرایش دلخواه خود هر چه آثار و نشان اسلامی است از جشن ها و مراسمهای خود پاک کنند. باید کوشید به جای سرکوفت زدن و خفت و خواری که این رژیم رواج می دهد، آزادمنش و اعتماد به نفس و آزادیخواهی را در خانواده و هر جای دیگری که امکانش را داشته باشیم تقویت کرد.



برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

و استثمار و از ایجاد شکاف و دسته بندی در میان صفوف انسانی تحت هر نامی بیزار است و برای ریشه کن کردن مذهب و ملی گرایی و قوم پرستی و کشمکشهای ملهم از آنها آستین بالا زده و برابری انسانها و ایجاد یک جامعه باز و آزاد و برابر را سرلوحه مبارزه و اهداف خود قرار داده است. به میدان کشیدن این جنبش آزادیخواهانه و سکولار و رادیکال امر ما کمونیستهاست. نباید درنگ کرد.



تراژدی انسانی اخیر در امریکا و فجایع تروریستی همین یکدکه بیش از پیش سنگربندی قاطع جنبش آزادیخواهانه و مردمی را علیه کشتار انسانی و تروریسم تاکید میکند. مقابله قطعی با تروریسم کار دولتها و نیروهای مرتجع و ضد انسانی نیست که خود در کشتار و خشونت علیه انسانها کارنامه سیاهی دارند. مبارزه قطعی و ریشه کردن تروریسم امر جنبشی است که انسانیت و نقطه عزیمت انسانی و احترام به انسان فلسفه وجودی آن را تشکیل میدهد، از تبعیض

کینه و نفرت در میان آنها به خشونت و خرافه مذهب، ملی گرایی و قوم پرستی، نژاد پرستی و... پناه میبرد. ایدئولوژیهای منطخ را ساخته و پرداخته میکند، به مهندسی افکار مردم دست میزند، دولتها و نیروهای مرتجع مذهبی، ملی و نژادی را سازمان داده و به جان مردم و به جان هم می اندازد. نظم ضد انسانی سرمایه داری و دولتها و جنبشها و گروههای حافظ آن سرچشمه تروریسم و کشتار انسانی در دنیای امروزند.

تروریسم رواج پیدا کرده چون آمریکا و غرب و ناتو در عراق و بالکان به بزرگترین تروریسم دولتی دست زدند، تنها زیر نام محاصره اقتصادی جان دهها هزار کودک را در عراق گرفتند. تروریسم در نظم موجود، در مناسبات کاپیتالیستی ریشه دارد. نظام سیاسی که بر بیحقوق کردن توده وسیع مردم، بر تبعیض و تحقیر و استثمار اکثریت عظیم مردم استوار است، انسان و انسانیت در آن لگدمال است، برای حفظ خود به دسته بندی مردم در مقابل هم، به اشاعه

کوره آدم سوزی ۰۰۰

برپاکنندگان گروههای کثیف اسلامی بوده که در گسترش و دارند. تروریسم و کشتار دسته جمعی انسانها در دنیای امروز مرسوم شده چون کشمکشهای کور مذهبی، ملی، نژادی، جغرافیایی در این دهه زیر بال غرب دامن زده شد و قدرتهای بزرگ جهانی بنا به مصالح خود آن را باد زدند، زیر پرچمهای خرافی، ارتجاعی و کاذب انسانها را به جان هم انداختند.

ناموس پرستی دختران جوان را بخون میکشد جنبش دفاع از حقوق مدنی، یک ضرورت حیاتی!



اعظم کم گوین

دلبر دختر ۱۳ ساله ای بود که از نظر پدر و برادران و مردهای خانواده چیزی جز شرم و بی آبرویی برای خانواده ببار نمی آورد. او با پسرهای در خیابان حرف می زد، چند بار از خانه گریخت و همسایه ها دائما در مورد او پیچ پیچ می کردند و حرف می زدند. دو ماه پیش که دلبر بیگانه تلاش کرد دوباره از فضای سیاه و پر از فشار خانه فرار کند پدرش با ساطور به جان او افتاد و آنقدر با ساطور به سر و تن این دختر معصوم ضربه زد تا جسد خونین و بیجانش بر کف حمام خانه افتاد. بعد این قاتل غیرتی و ناموس پرست به یکی از دامادهاش دستور داد که خونها را پاک و جسد را جمع کند، و به دو پسرش امر کرد جنازه بیجان و خونین دلبر را در جایی سر به نیست کنند. سر و گردن این دختر معصوم چنان سلاخی و تکه تکه شده بود که

موقع معاینه پزشکی قانونی، آنها را با زحمت به تنه اش وصل کردند.

قاتل - پدر دلبر - به پلیس گفت من به وظیفه ام عمل کردم. ما او را کشتیم چون مایه بی آبرویی و بی ناموسی خانواده شده بود. سلاخی فجیع دلبر فقط یک پرده از صدها جنایت ناموسی و فاجعه زندگی دختران جوان در فرهنگ عشیره ای و اسلامی در کردستان ترکیه و ایران و کشورهای مشابه است. قتلهای ناموسی، کشتن به قصد مرگ و اشکال دیگر خشونت نسبت به دختران جوان در سالهای اخیر در کردستان ترکیه افزایش بیسابقه ای یافته است. در برخی از شهرهای کردستان ایران نیز ارزشها و فرهنگ ناموس پرستانه به جان دختران جوان افتاده است. در نیمه اول اردیبهشت ۱۳۷۹ زنی را به جرم "ناموسی" در محله حمال آباد سقز سر بریدند. تابان دختر قالیبافی بود که به دلیل رابطه با پسری در محله کریم آباد سقز به دست پدرش کشته شد. سعیدیه دختر جوان دیگری بود که به جرم گردش با نامزد خود در خیابان شهنواز همین شهر توسط پدرش بیرحمانه به قتل رسید. فرهنگ کهنه و کثیف مردسالاری و ناموس پرستی همدختران جوان را قصابی می کند.

با تماس بیشتر دختران جوان با فرهنگ و روش مدرن زندگی در شهرها و باز شدن چشم و گوش آنها، آشنا شدن به حقوق خود و بالا رفتن توقعاتشان از طریق زندگی شهری، تلویزیون، ماهواره و اینترنت، طغیان و عصیان آنها علیه فشارهای تحمل ناپذیر رسوم و سنن عشیره ای - مذهبی و کنترل خانواده بالا گرفته است. سنن و رسومی که مانع رفتار آزادانه دختران و برخورداری آنها از مواهب زندگی امروزی و حقوق انسانی شان می شود. آداب و رسومی که حق انتخاب را از دختران جوان سلب می کند، مانع معاشرت آنها با جنس مخالف و آزادیهای فردی و اجتماعی آنها می شود. در فضای مرگبار وحشیگری سنت و اسلام، در یک طرف پدر و عمو و دایمی و دامادها و ریش سفیدهای خانواده در وحشت بر باد رفتن ناموس و غیرت و ارزشهای ارتجاعی آبا و اجدادی شان قرار دارند، و در طرف دیگر دختران معصومی که از زندگی چیزی جز حق شان را طلب نمی کنند، طعم زندگی انسانی را کمی چشیده اند و می خواهند آزاد باشند. طبق آمارهای دولتی که فقط گوشه ای از واقعیتها را بیان می کنند، در کردستان ترکیه سالانه ۲۰۰ دختر جوان با حکم

پدر و یا ریش سفیدهای فامیل بخاطر پایمال کردن ناموس مردان و خانواده وحشیانه به قتل می رسند. در مناطق روستایی عشیره ها رسما برای دختران جوان و زنانی که "دست از پا خطا کرده اند" دادگاههای خانوادگی تشکیل می دهند و اعضای این دادگاهها در مورد قتل زن و چگونگی اجرای آن رای می دهند، تقسیم کار می کنند و حکم صادره را به اجرا در می آورند. ناموس پرستی و سلاخی کردن هزاران زن و دختر جوان نشان داده که آرا و سنتهای اسلامی و عشیره ای از چه ظرفیت مدهش و ضد بشری برخوردارند.

در غیاب ارزشهای اجتماعی پیشرو و قوانینی که از حقوق انسانی کودکان و دختران جوان و زنان دفاع کند، در فقدان رعایت حقوق مدنی زنان و کودکان، پدر به قاتل وحشی و رذل دختر خود تبدیل می شود و غیرت مردانه اسلامی - عشیره ای با ساطور به جان دختران نوجوان و جوان می افتد و وحشیانه قربانی می گیرد. در ایران جمهوری اسلامی مسبب ابقا و تشدید این وضعیت است، در ترکیه نیروها و احزاب ارتجاعی برای تصویب قانونی کردن معاینه بکارت دختران و جنایی کردن رابطه جنسی خارج از ازدواج کمپین می کنند تا آتش زن کشی ناموسی را شعله و رتر کنند و در کشورهای عربی

حکومتها مرتج و جریانهای فاسد ناموس پرستانه را تقویت می کنند. در ترکیه بر خلاف ایران و اغلب کشورهای عربی مجازات قتل اعضا خانواده، اشد مجازات یعنی اعدام و حبس ابد است اما قاضی حق دارد به دلایل ناموس و "هیجان" و "شرایط خاص" به قاتل تخفیف بدهد. کل ساختار سیاسی ارتجاعی اسلامی فاسد در این کشورها از بقای این روابط عشیره ای و قبیله ای بهره می برند و پایه های قدرت خود را محکم می کنند.

زنان در کردستان ترکیه با سایر زنان در جوامع اسلام زده و تحت سلطه ارزشهای واپسگرا و مردسالارانه هم سرنوشتند. راه خلاص شدن از این دایره مرگبار کنار زدن اسلام و واپسگرایی، بالا بردن ارزش و حرمت زن و تحولات سیاسی سکولار و پیشرو در این جوامع است. راه جلوگیری از وقوع این قتلها نه اعدام و حبس ابد بلکه بالا بردن حقوق و حرمت انسانی و دفاع بی قید و شرط از حقوق مدنی زنان و کودکان و مبارزه با ارزشهای عتیق عشیره ای، مرد سالارانه و اسلامی است. بر پا کردن یک جنبش دفاع از حقوق مدنی زنان و کودکان در ترکیه، کشورهای عربی، ایران و جوامع مشابه به یک ضرورت حیاتی و اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. ضرورتی که همه آزادیخواهان و نیروهای پیشرو را به تحرک و جدیت بیشتری فرا می خواند.



گزارش کمک مالی منظم به کمیته کردستان

هلاله طاهری و بهزاد یوسفی	۲۰۰ کرون
محمود خاطری	۱۰۰ کرون
عزت دارابی	۵۰ کرون
جبار کردی	۱۵۰ کرون
عبدالله شریفی	۴۰۰۰ کرون
رزگار رضائی	۲۰۰۰ کرون
فهیمة قطبی	۱۰۰۰ کرون
عذرا آدمی	۲۰۰ کرون
علی مرادی	۱۰۵ مارک المان
نیما و سیما	۲۰۰ کرون

المان

نروژ

فنلاند

حیدر خدیری	۵۰۰۰ کرون
۱- محمد قادری	۲۰۰ مارک
۲- صالح قویته ل	۲۵۰ مارک
۳- مروتی	۱۰۰ مارک
۴- مصطفی باهیر	۱۰۰ مارک
رسول بناوند	۲۵۰ کرون
فریده اقاچانی	۲۰۰ کرون
لاله زندی	۲۰۰ کرون
محمود احمدزاده	۲۰۰ کرون
هوشیار سروش	۷۰ کرون
کریم شاه محمدی	۲۰۰ کرون
محمد خضری و فاطمه محمدی	۲۵۰ کرون
نصرت سلیمی	۱۵۰ کرون

کمک به پروژت

حصیبه چوپانی	۱۵۰ کرون
روناک ناصری و مختار محمدی	۳۰۰ کرون
شوبوعلی رمائی	۱۰۰ کرون
رحیم یزدانپرست	۱۰۰ کرون
سیامک بهاری	۲۰۰ کرون
آوات شریفی	۵۰ کرون
مصطفی رشیدی	۱۷۵ کرون
سردار نگلی	۵۰۰ کرون
کمک جمع آوری شده	۶۰۰ کرون
عذرا آدمی	

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

رانندگان کامیون با مبارزه متحد و یکپارچه خود اتحادیه میهنی را ناچار به عقب نشینی کردند

عبدالله شریفی

رانندگان کامیون وابسته به شرکت سیمان سرچنار و تاسلوچه که ۱۷۴ نفر میباشند، در دفاع از حقوق خود دارودسته جلال طالبانی را وادار به عقب نشینی کردند. داستان از این قرار است که کامیون رانان شرکت سیمان مدتهاست که خود بر اداره امور ترمینال کامیونها نظارت دارند پرداخت حق نوبت و رعایت حق نوبت را خود تنظیم کرده اند. به طور مثال حمل سیمان از سرچنار به شهر ۳۵ دینار بود که حتی از این مبلغ ۱۰ دینار تحت عنوان مالیات به باجگیران مسلح باند طالبانی میپردازند. اما مسئولین اتحادیه میهنی به هر وسیله ای دست به چپاول میزنند به سطح معیشت مردم به بهانه های گوناگون دست

درازی میکنند در این رابطه چندماه پیش تصمیم میگیرند که ترمینال مذکور را به کمپانی خاک که در دست مسؤلان این باند میباشد بدهند و دستمزد رانندگان از ۳۵ دینار بابت حمل از سرچنار تا شهر به ۲۰ دینار تقلیل دهند و میزان باج همان ۱۰ دینار باشد. کامیون رانان در مقابل این اخاذی دست به اعتراض جمعی میزنند. مسؤلین وعده مذاکره میدهند و ۲ تن از نمایندگان رانندگان که مخالف مذاکره بوده‌اند، بر خلاف عادی ترین و رایج ترین نرمهای تمدن امروزی توسط افراد مسلح طالبانی دستگیر و زندانی میشود که در نتیجه گسترش اعتراضات رانندگان کامیونها و گروههای مختلف مردم ناچار میشوند آنها را آزادکنند.

عمر سید علی عضو دفتر سیاسی اتحادیه میهنی بارها تلاش کرد که این تحصن را بشکند. سرانجام در نتیجه این اعتراضات متحد و یکپارچه کارگران، روز ۱۱ سپتامبر جمال و عثمان آزاد می شوند، به این تازه بدوران رسیده‌های دیکتاتور که خود مزدوران دیکتاتورهای بزرگتری هستند، تفهیم شد که در مقابل قدرت متحد و یکپارچه کارگران و مردم زحمتکش کاری از آنها ساخته نیست.

احزاب ناسیونالیست چه در اپوزیسیون و چه در نوع "حاکمیت" کارتونی و مسخره و چه بعنوان نگهبان اردوگاه پناهندگی، ضد آزادی و ضد کارگر هستند، سرکوبگر و استثمارگر هستند.

امروز احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق مسبب فقر و بیکاریند و در بی آیندگی مردم کردستان ذینفع و سهیم هستند. این چند سال خود گماردگی بر دوش مردم زحمتکش بیش از هر استدلالی میتواند صحت این ادعا را ثابت کند. اختلاف فاحش سطح زندگی میان اکثریت مردم و عده ای قلیل بنام مسئولین، قتلهای ناموسی و سرکوب زنان، سرکوب اعتراضات کارگری، کمونیست کشی، اشاعه اسلام و فرهنگ عشیره ای و مردسالاری، حضور وسیع کودکان زیر ۱۲ سال در بازار کار و در میان دست فروشان، دستگیری رهبران کارگری و کمونیستها، تنها گوشه ای از درجه فقر و بی حقوقی سیاسی و اجتماعی تحت «حاکمیت» ناسیونالیست کرد و کارنامه این حضرات است.

ناسیونالیستهای مداح و قوم پرستان شیفته چنین دارودسته‌ای،

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

Tel: 0046 739 855 837

email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

مسئول دبیرخانه کمیته کردستان

هلاله طاهری

Tel: 0046 73 61 62 211

email: halale_taheri@yahoo.com

اطلاعیه مطبوعاتی ۲

سومین کنفرانس مدوسا

نه روسری نه توستری

جنبش برابری طلایی زنان در ایران از ۱۳۵۷

مدوسا سومین کنفرانس خود را در لس آنجلس، آمریکا در تاریخ ۲۶ تا ۲۸ اکتبر ۲۰۰۱ برابر با ۴ تا ۶ آیلن ۱۳۸۰ برگزار میکند.

جنبش برابری طلایی زنان از انقلاب ۵۷ وارد دوره نوینی شد و دچار تحولات بسیار عمیقی گردید. در کنفرانس سوم مدوسا این جنبش، تحولاتی که از سرگذرانده، و آینده آن از زوایای مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار میگیرد.

لیست سخنرانانی که تاکنون قطعی شده است:

شهره آغداشلو، مینا احدی، مهناز لافخمی، الهه امانی، هما سرشار، نهضت فرنودی اعظم کم گویان، آذر ماجدی، آذر نفیسی، پرتو نوری علاء

محل کنفرانس: دانشگاه یوسی ال ا
علاقتمندان شرکت در کنفرانس میتوانند از طریق زیر با ما تماس بگیرند.

تلفن: ۰۴۴ ۷۷۶ ۵۲۳ ۵۰ ۱۷

فکس: ۰۴۴ ۸۷۰ ۱۳۵ ۸۲ ۸۵

ای میل:

azarmajedi@yahoo.com

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!